

مردم، حزب، انتخابات

گفتگوی علی جوادی با منصور حکمت

علی جوادی: انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در راه است. جامعه روحانیت مبارز اعلام کرده که در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدی نخواهد داشت. دوم خرداد به جناح راست التماس میکند که کاندید سنگین وزنی معرفی کند، قواعد بازی را رعایت کند. از طرف دیگر خاتمی هنوز تصمیم نهایی خودش را برای شرکت در انتخابات اعلام نکرده است. ارزیابی شما از این وضعیت چیست؟

منصور حکمت: قبل از هر چیز باید یک نکته را ذکر کنم. بنظر من نفس اینکه این انتخابات صورت بگیرد هنوز میتواند مورد تردید باشد. از یک طرف ایران موقعیت انفجار آمیزی دارد و حرکت اعتراضی مردم میتواند بجایی برسد که انتخابات کلاً موضوعیتش را برای حکومت از دست بدهد. تا ۶ ماه دیگر معادلات سیاسی ایران میتواند بسیار عوض شده باشد. از طرف دیگر، بنظر من اگر خاتمی کاندید نشود، که احتمال ضعیفی برای آن وجود دارد، امکان اینکه انتخابات منتفی بشود هست. در غیاب خاتمی، که نماینده و ضامن دست نخوردن وضع موجود است، انتخابات به صحنه جدال حادی میان جناحها تبدیل میشود. اما راست ریاست جمهوری را دوبار به دست اصلاح طلبان نخواهد داد. در عین حال بیرون آوردن یک کاندید راست (ولو میانه رو) از صندوق، پایه تاکتونی دوم خرداد را به یک "عبور" اساسی و سوق یافتن به یک موضع بسیار میلیتانت ناگزیر میکند که هیچکس در حاکمیت امکان مهار آن را نخواهد داشت. اگر خاتمی کاندید بشود، احتمالاً بدون رقیب و یا با رقبایی تشریفاتی، بعنوان کاندید "نظام" از صندوق بیرونش خواهند آورد. انتخابات با بی تفاوتی مردم روبرو خواهد شد. وضع فعلی ادامه پیدا میکند. با این تفاوت که نهضت دوم خرداد رسماً تمام میشود. و اصلاح طلبی دستگاهی ناگزیر باید قالب جدیدی برای خود پیدا کند.

علی جوادی: شما در مقاله "کابوس انتخابات" در انترناسیونال هفتگی شماره ۳۱ از یک طرف گفته‌اید که "این انتخابات ابزار پیشروی هیچیک (از دو جناح رژیم) نیست." از طرف دیگر گفته‌اید که "معامله مبنای دور دوم ریاست جمهوری خاتمی است." آیا پذیرش "معامله" از جانب جناحها خود "پیشرفتی" برای کل رژیم اسلامی در شرایط رو در رویی با بحرانی خرد کننده نیست؟

منصور حکمت: این معامله ای میان دو جناح نیست، میان سران دوم خرداد با راست است. معامله ای است که در آن خاتمی به یک کروب و یا حتی رفسنجانی ثانی تبدیل میشود و ریاست جمهوری را نگاه میدارد. دوم خرداد، به مثابه یک جناح در این معرکه چیزی گیرش نمیاید. برعکس، خیلی ناراحتند چون جناح مقابل دارد رهبر اینها مصادره میکند و قلاده میزند. این برای راست هم پیشرفتی نیست. اولاً نفس اینکه راست نمیتواند یک کاندید مستقل اعلام کند و بخواهد ریاست جمهوری را بگیرد، خود صریح ترین شکل اذعان به ضعف سیاسی و بن بست عملی است. ثانیاً، در صورت معامله بر سر خاتمی، "عبور از خاتمی" در جناح دوم خرداد به تنها سیاست ممکن تبدیل میشود و این نه فقط میلیتانسی نیروهای جوان تر در پایه این جنبش را تشدید میکند، بلکه رهبری رسمی و دولتی این جناح را هم در دست شخصیت‌های ناراضی تر و صریحتر این خط قرار میدهد. معامله با خاتمی به شدت تخاصمات دو جناح می افزاید، بی ثباتی و بحران را تشدید میکند.

علی جوادی: خاتمی کاندیدای دوم خرداد است و آنطور که بنظر میرسد و شما هم اشاره کرده‌اید جناح راست هم به سادگی از خاتمی صرفنظر نخواهد کرد. به این اعتبار موقعیت جناحها و کشمکش‌های جناحی چه روندی را طی خواهد کرد؟

منصور حکمت: همانطور که گفتیم اگر انتخابات برگزار شود و خاتمی انتخاب بشود، کشمکش همچنان حاد تر خواهد شد. بخصوص به این دلیل که هم رهبری جریان اصلاح طلب در دست محافل دورتر از مرکز قدرت قرار میگیرد و هم میلیتانیسی و و چرخش به موضع سرنگونی در پایه جریان دوم خرداد فعلی شدت بالا میگیرد و رهبری حرکت اصلاح طلبی برای مهار و جلوگیری از آن مجبور است به مواضع انتقادی تری چرخش کند. اما نکته مهم این است که نفس جدال راست و دوم خرداد، از مدتها قبل از انتخابات و مشخصا از مقطع تسلیم خاتمی و سران دوم خرداد به حکم ولایتی خامنه ای، دیگر جایگاه خود را در مرکز تحولات سیاسی ایران از دست داده است. از یک طرف حرکت مستقل مردم علیه حکومت و هردو جناح بالا گرفته. و از طرف دیگر در خود ناراضیان طرفدار رژیم عبور از خاتمی دارد به خط رسمی تبدیل میشود. تا مقطع انتخابات این پروسه ها از ایم حد هر فراتر رفته اند. خود انتخابات هم این روندها را تشدید میکند. دورنمای انتخابات و بلاتکلیفی کنونی بر سر آن به یک معنی در این لحظه یک نقش تاخیری در روند اوضاع سیاسی ایران بازی میکند. خصلت دروغین و عوامفریبانه پروپاگاندا جناح دوم خرداد و کل اپوزیسیون ملی اسلامی طرفدار رژیم و رسانه های بین المللی مبنی بر اصلاح حکومت اسلامی از درون با شکست دوم خرداد پس از "فتح مجلس" عملا عیان شد. انتخابات آتی، اگر تازه کار به آنجا برسد، پایان رسمی و مقطع انحلال این نهضت است. بعد از انتخابات دوران تعیین تکلیف مردم با حکومت فرار میرسد.

علی جوادی : مردم در دور قبلی "انتخابات" شرکت کردند و به کاندیدای "اصلاح" رژیم "نه" گفتند و جلوی یکپارچه شدن رژیم را سد کردند. آیا این "انتخابات" میتواند چنین جایگاهی در حرکت مردم در این دوره داشته باشد؟

منصور حکمت: بنظر من این انتخابات تنها در صورتی مورد توجه مردم قرار میگیرد که خاتمی کاندید نشود، راست نماینده مستقیم و صریح خود را معرفی کند و اصلاح طلبها هم یک کاندید با یک پیشینه و خط مشی انتقادی معرفی کنند. آنوقت دوباره ممکن است دود دادن سیبل ولی فقیه و برای مردم انگیزه ای بوجود بیاورد. اما در عمل چنین حالتی ممکن نیست، چون راست در این صورت با یک حکم ولایتی کلا سرفه انتخابات را جمع میکند و زره جنگ به تن میکند. همانطور که گفتیم اینها پست ریاست جمهوری را دوبار تحویل اصلاح طلبها نمیدهند. در نتیجه سیر محتمل اوضاع اینست که خاتمی کاندید میشود و مردم شانه بالا میاندازند. ممکن است برای گرم کردن تنور انتخابات یک نفر از طرف انجمن "دشنه اسلام" یا کانون چاقوکشان مسلمان و غیره در جناح راست کاندید بشود. اما در هر حال بر مردم روشن خواهد بود خاتمی کاندید اصلی نظام است و این انتخابات بر سر چیزی نیست.

علی جوادی : اصول سیاست حزب کمونیست کارگری در قبال این مراسم رژیم اسلامی بنظرتان چه باید باشد؟

منصور حکمت: ما مانند همیشه ماهیت این نمایش ارتجاعی را افشا خواهیم کرد. مردم نباید در این مضحکه شرکت کنند. اما اینبار قصد داریم یک حرکت آکسیونی وسیع علیه رژیم و علیه انتخابات فراخوان بدهیم. همانطور که میدانید در چند روز آینده نشستی برای تدقیق این سیاست در سطح مرکزی در حزب خواهیم داشت و در اسرع وقت این فراخوان را اعلام خواهیم کرد. یک سیاست کارساز میتواند فراخوان به پیکت و تظاهرات ضد رژیمی در محل حوزه های اصلی رای گیری در روز مربوطه باشد. تجمع مردم و بویژه جوانان جلوی حوزه های رای گیری برای منصرف کردن همه از شرکت در این نمایش و در عوض انجام تظاهرات موضعی با شعارهایی به نفعی آزادی و علیه رژیم اسلامی. این عملی است. خود حکومت محل و روز تظاهرات های ما را اعلام میکند و انتخابات رژیم به یک موج تظاهراتی ضد حکومتی تبدیل میشود. بهر حال بعد از بررسی جوانب مختلف مساله سیاست حزب

را اعلام خواهیم کرد. هنوز فرصت هست.

علی جوادی : ارزیابی شما از موضع نیروهای دوم خردادی خارج از حاکمیت در قبال این "انتخابات" چیست؟ بعلاوه بیرون جریان دوم خرداد هم برای مثال بخشهایی از جریانات ناسیونالیست پرو غرب، مانند مشروطه خواهان، مبلغ سیاست شرکت مردم در "انتخابات" رژیم اسلامی هستند. این سیاست را چگونه ارزیابی میکنید؟

منصور حکمت: بنظر من مواضع تحسین برانگیز! جنبش ملی- اسلامی و اپوزیسیون سنتی بیرون حکومت و از جمله سازمانهای مدافع رژیم سابق دو منشاء اصلی دارد. اول اینکه اینها جریاناتی راست هستند. از انقلاب و از مردم، از کمونیسم، از کارگر متشکل و زن آزادیخواه بیشتر از حکومت آدمکش مذهبی میترسند و بیزارند. تمام تز "اصلاح" رژیم از "درون" و تمام این اپیدمی "خشونت گریزی" در صف ملیون و تازه دموکراتهای ایرانی که معنای عملی آن لاس زدن با حکومت جلاد اسلامی و در همان حال خصمانه ترین و خشونت آمیز ترین تحریکات و تروریسم تبلیغاتی علیه حزب کمونیست کارگری و چپ سرنگونی طلب است، بر این ترس بنا شده. میخواهند جلوی سقوط حکومت فعلی را بگیرند. میخواهند دخالت مردم و کمونیسم را مانع بشوند. در نتیجه رژیم هر آشغالی جلوی اینها پرت کند با اشتیاق بر میدارند و جشن میگیرند. کسی که بر این نمایشهای رژیم اسم انتخابات میگذارد و مردم را به شرکت در آنها تشویق میکند، دارد میگوید که در حکومت مطلوب خودش هم "دموکراسی" همینقدر معنی دارد و انتخاباتها از همین قماش خواهد بود. کسی که جمیله کدیور برایش نماینده مردم محسوب میشود، خودش هم قرار است همینطوری نماینده مردم بشود. این بستگان طبقاتی حکومت فعلی اند که بخاطر "انحصار طلبی موثلفه اسلامی" بیرون حکومت مانده اند. دوم، صاف و ساده، مساله حقارت و بی فرهنگی سیاسی است. فرهنگ نازل سیاسی این اپوزیسیون روی دیگر سکه یک قرن استبداد سلطنتی و اسلامی است. یک جریان میتوان راست باشد اما زبون نباشد. سیاسی باشد، نیرو جمع کند، فشار بیاورد، نبرد کند. اما این عجز، این جایگزین کردن تکدی بجای تاکتیک، این بی شخصیتی و بی هویتی و بی آرمانی و ناتوانی سیاسی ای که محصول جبری آن است، بنظر من محصول تاریخی استبداد طولانی است. این دیگر یک دستاورد ملی و میهنی ویژه بورژوازی ایران است. رژیمی که اعدام و ترورشان میکند، حق حیات برایشان قائل نیست، صلاحیتشان را برای کاندید شدن که هیچ برای رای دادن هم قبول ندارد، محارب و مفسد میخواندشان، آدمشان نمیداند و از کشور بیرونشان کرده، را دولت مشروع ایران میخوانند و مردم را دعوت میکنند مهر مشروعیت پای آن بزنند! این فلکزدگی سیاسی علامت مشخصه اپوزیسیون سنتی ایران است.

بنظر من از جمله به همین دلیل موضع اینها در قبال رویدادهای ایران مهم نیست. بجایی نمیروند، نیرویی نیستند. زانده ای بر جمهوری اسلامی اند و همراه آن زوال پیدا میکنند.

علی جوادی : سؤال آخر بنظرتان مولفه های سیاست غرب در قبال این انتخابات چیست؟

منصور حکمت: اگر سیر محتمل، یعنی کاندیداتوری خاتمی بعنوان کاندید واحد "نظام"، پیش برود، بنظر من این انتخابات در غرب با هلهله ای روبرو نمیشود. جریان دلسردی غرب از خاتمی و دوم خرداد از هم اکنون شروع شده. مفسران غربی از احتمال واقعی سرنگونی حرف میزنند. حتما انتخابات در اخبار خواهد آمد. اما در مجموع با سردی استقبال خواهد شد.